

## ضرورت اجتهاد در عصر حاضر

پوهندوی شیر محمد نبیل

عضو کادر علمی دیپارتمنت فقه و قانون پوهنحی شرعیات پوهنتون بلخ

shermohammadnabil@gmail.com

### چکیده

اجتهاد یکی از مصادر مهم تشریح اسلامی، ضرورت و نیازهای وجود بقای آن است، بناً دروازه و بانی را که الله بر روی انسان‌ها باز گشوده و برای ایشان وضع کرده است، هیچ‌کس حق انسداد و بسته کردن آن را ندارد و نمی‌تواند آن را ملغی نماید. مجتهد جامع الشرائط عالی مقام دارای اهلیت و ملکه استنباط، در هر عصر و زمان می‌تواند احکام شرعی رویدادهای جدید را از منابع و مصادر قانونی آن استخراج نماید. اجتهاد عبارت است از به‌کارگیری آخرین حد توان در شناخت و استنباط احکام از دلایل شرعی به‌گونه‌ای که مجتهد در طلب بیش از آن در خود احساس عجز کند. بر امت اسلامی واجب است در هر زمان و مکان زمینه و شرایط مناسبی را غرض اجتهاد مجتهدان کرام مهیا و آماده سازند؛ تا ایشان به‌طور سهل و آسان بتوانند احکام شرعی را در قبال مسائل و قضایای مستحدثه استنباط نموده مشکلات جامعه‌ای خویش را در تمام عصور و به‌ویژه معضلات و پرابلم‌های عصر جدید امت اسلامی را حل سازند.

واژه‌های کلیدی: اجتهاد، احکام شرعی، مجتهدان، علمای اسلام و مجتهد

## مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين نبينا محمد و على آله واصحابه الذين هم نجوم الاقتداء والاهتداء و من دعا بدعوته الى يوم الجزاء.

اجتهاد در شریعت اسلامی از اهمیت خاصی برخوردار است و از فراورده های اصلی اصول فقه بر شمرده می شود؛ زیرا به وسیله آن احکام شرعی از ادله تفصیلی استنباط می گردند.

اجتهاد در عصر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) صورت گرفته است و اصحاب و فقهاء به آن عمل کرده اند و پیامبر (صلی الله علیه وسلم) اصحاب کرام (رضی الله عنهم) را تشویق به اجتهاد بر مبنای قرآن و سنت نموده اند. مجتهد والامقام در هر عصر و زمان مکلف است پیرامون نصوص ظنی الثبوت یا ظنی الدلالة و یا در مسائل غیرم نصوصی، نهایت تلاشی ورزد تا به مقصودی که مدنظر شارع است برسد، پاسخ به سوالات مطروحه داده شود و مشکلات پیچیده جامعه هر چه زودتر حل گردد. در دنیای معاصر بسیار بیشتر از گذشته به اجتهاد نیازمندیم؛ زیرا قضایا و مسائل بسیاری هر لحظه دچار تغییر و تحول می گردند و هر روزی که آفتاب بر امت اسلامی می دمد، مجموعه ای از مسائل تازه را با خود به همراه می آورد لازم است تا در پرتو شریعت اسلامی حکم و راه حل آن ارائه شود. قضایا و مسائلی مانند انتخابات، مجلس نمایندگان، مجلس شورا و دیگر دستگاه های نوینی که لازم است احکام اسلامی راجع به آنها وجود داشته باشند، رویدادها و حوادث دیگری در مسائل عبادی، طبی و اقتصادی و...

## پیشینه تاریخی اجتهاد

آغاز اجتهاد به عصر حیات پیامبر (صلی الله علیه وسلم) بر می گردد؛ چون ایشان عملاً در برخی قضایا برای امت اسلامی از طریق اجتهاد و قیاس گونه پاسخ ارائه نمودند. و گاهی بعضی از یاران خویش را به انجام اجتهاد تشویق و ترغیب نموده سنگ تهاداب اجتهاد را میان امت اسلامی گذاشتند.

اصحاب رسول خدا (صلی الله علیه وسلم) در حضر و سفر، هنگامی که در محضر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) می بودند، عموماً برای جواب مسائل به وی مراجعه می نمودند و زمانی که در مجلس پیامبر (صلی الله علیه وسلم) حضور نمی داشتند، حل قضایای مطروحه و پاسخ مسائل پیش آمده را مانند معاذ بن جبل از قرآن و سنت و رأی و استنباط خویش دریافت می کردند.

بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه وسلم) باب اجتهاد به یکباره و کاملاً بر روی اصحاب گشوده شد و در دوره تابعین نیز علاوه بر نصوص آیات و احادیث نبوی، قول و فعل اصحاب معروف در ردیف منابع استنباط و استخراج احکام فقهی قرار گرفت و به اساس تفاوت دانش و برداشت های علمی سبب اختلاف احکام فرعی گردید؛ زیرا اقوال اصحاب معروف بسا اوقات با هم متفاوت بود و همین موجب تفاوت اجتهاد علمای تابعین می شد.

در اواخر دوره تابعین، امام ابوحنیفه رهبر مذهب حنفی در عراق و امام مالک رهبر و پیشوای مذهب مالکی در سرزمین حجاز، امام شافعی و امام احمد بن حنبل و سائر مجتهدین کرام در زمان حیات اجتهادی خویش از روی دلایل شرعی و قانونی با در نظر داشت روح و مقاصد شریعت اسلامی و مصلحت امت مسلمه روی قضایای جدید و مستحدثه عصر خویش اجتهاد نموده مشکل مردم را از این ناحیه حل و به سوالات ایشان پاسخ های قانع کننده ارائه نمودند و تا ایندم ادامه دارد. بدون تردید اجتهاد نیاز زمان بوده و از ضرورتها و ملازمات دین مبین اسلام است، دینی که می خواهد دوشادوش زندگی حرکت کرده و آنها را قیادت نماید. مخصوصاً در زمانی که تمدن، صنعت و تجارت به طور بی سابقه ای پیشرفت کرده است.

## اهمیت تحقیق

اجتهاد از برجسته ترین شاخه های فقه اسلامی و موتور محرکی است که آنرا از رکود و توقف در برابر رویدادها و حوادث روزافزون بشری مصنون می دارد؛ زیرا اجتهاد پویا، فقه را با نیازمندی های نوین زندگی انسانی با طرز تفکر اسلامی در پرتو اهداف شارع پیشاپیش عصر و زمان در حرکت در می آورد.

اجتهاد به شریعت اسلامی باروری و حاصلخیزی عطا می‌نماید، به‌ویژه در عصر و زمان ما که از یک سو زمان فتنه و آشوب است و از سوی دیگر عصر علم و سرعت در پیشرفت تکنولوژی است، مسائل و قضایای زیادی در باب معاملات، رویدادها و حوادث اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مطرح است که جز در پناه و زیر چتر اجتهاد و شورای مجتهدین متخصص، چاره‌ای برای پاسخ به آنها نمی‌باشد و این یگانه اجتهاد است که شریعت اسلامی را همساز و قابل اجراء در هر زمان و مکان می‌کند.

در عصر حاضر چه نیازی به اجتهاد است؟ آیا پیشینیان روی همه موضوعات بحث نموده اند و نیازی به اجتهاد جدید نیست؟

### هدف تحقیق

کاربرد اجتهاد در عصر حاضر به‌عنوان ابزار غرض حل قضایای جدید و دریافت احکام مسائل مستحدثه و جدید و تعیین محدوده آن. چون تحقیق هذا کتابخانه‌ای می‌باشد؛ بناً از کتاب‌ها و منابع غنی علمی قدیم و جدید دسته اول متون اسلامی و غیره کتب و آثار علمی استفاده شده است.

#### •- تعریف اجتهاد:

#### الف- اجتهاد در لغت

اجتهاد مصدر باب افتعال در لغت از ماده «جَهَدَ» به ضم جیم به معنای نیرو، قدرت، توانائی، غایت و شدت هر چیز، و یا «جَهْدٌ» به فتح جیم به معنای کوشش، رنج، مشقت و تلاش است و استعمال آن در باب افتعال «اجْتِهَادٌ» بسیار کوشش کردن و ماضی آن (اجْتَهَدَ) به معنای کوشش نمود، آمده است و همچنین به معنای نهایت تلاش و کوشش در انجام کاری. (ملوف: ۱۱ ص ۳۰۱)

#### ب- اجتهاد در اصطلاح

قبل از اینکه به تعریف اصطلاحی اجتهاد از دیدگاه علماء و دانشمندان بپردازیم، لازم به یادآوری است تا اشاره مختصری به علت و سبب اختلاف اصولیین پیرامون تعریف اجتهاد داشته باشیم؛ تا پاسخ برخی از سوالات خود را دریافته سبب رفع و زدودن شبهات مان گردد.

علماء و دانشمندان اصول فقه، از دو جهت به تعریف اصطلاحی اجتهاد پرداخته اند: یکی از لحاظ اینکه معنای مصدری و فعل مجتهد است، دیگری از لحاظ اینکه صفت مجتهد است.

از آنجا که بعضی اصولیون راجع به تعریف اجتهاد به اعتبار معنی مصدری، واژه‌های مختلفی چون (بذل الطاقه)، (بذل الجهد) و (استفراغ الوسع) در صدر تعریف خود آورده‌اند و بعضی کلمه (ظن) و گروهی واژه (علم) را در تعریف خود به‌کار برده‌اند. همچنان اجتهاد نزد بعضی، موجب ادراک حکم ظنی است و نزد برخی دیگری مقتضی ادراک علم و یقین به احکام است؛ لذا این تغییرات باعث کثرت تعاریف اجتهاد گردیده است.

بانگاه گذرا برخی از این تعریف‌ها را نقل نموده مورد نقد و بررسی قرار داده تعریف جامع و مانع از دیدگاه نویسنده و محقق، با ذکر مزایای آن برای خواننده‌های محترم تقدیم خواهیم کرد.

۱- امام غزالی می‌گوید: اجتهاد عبارت از بکاربردن مجتهد است توان خود را غرض رسیدن به احکام شرعی. (غزالی: ۹ ج ۱ ص ۳۴۲)

۲- ابواسحاق شیرازی می‌گوید: اجتهاد عبارت از بکار بردن منتهای کوشش و صرف نیرو و توان برای به دست آوردن حکم شرعی است. (شیرازی: ۸ ص ۱۲۹)

۳- علامه تفتازانی چنین تعریف نموده است: اجتهاد به‌کارگیری حد نهائی قدرت و توان از جانب فقیه غرض به دست آوردن حکم شرعی ظنی است. (تفتازانی: ۵ ج ۲ ص ۲۵۴)

۴- ابن همام حنفی می‌گوید: اجتهاد بکارگیری حد نهائی قدرت و توان از جانب فقیه غرض به دست آوردن حکم شرعی ظنی است. (ابن همام: ۲ ج ۴ ص ۱۷۹)

۵- اجتهاد ملکه است که به وسیله آن توانائی بر استخراج احکام شرعی عملی از روی دلایل تفصیلی آن حاصل می‌گردد. (ابن قدامه: ۱ ج ۲ ص ۳۳۴)

### نقد و تبصره

تعریف امام غزالی شامل همه افراد معرف نمی‌شود؛ چون ایشان در تعریف خویش واژه علم را بکار برده اند و از استعمال کلمه علم دانسته می‌شود که ایشان ثمره و نتیجه اجتهاد را عموماً قطعی می‌دانند در حالی که چنین نیست؛ زیرا ثمره و فایده اجتهاد منحصر در احکام یقینی نمی‌باشد، بلکه غالب احکام مستنبطه و مستخرجه ظنی اند، بناً تعریف متذکره شامل همه انواع اجتهاد نمی‌شود.

به نسبت استعمال کلمه ظن در تعریف آمدی و ابن همام اعتراضی وارد می‌شود که تعریف ایشان جامع و مانع نیست؛ زیرا تعریف متذکره، احکام استنباط شده قطعی و یقینی را شامل نمی‌شود و همچنان به نسبت عمومیت واژه ظن، ظن غیر معتبر را نیز شامل می‌شود، در حالی که ظن غیر معتبر از جمله احکام استنباطی محسوب نمی‌گردد؛ و در تعریف ابواسحاق شیرازی تکرار دیده می‌شود و در عین حال از ادله شرعی، سخنی به میان نیامده است در حالی که استنباط احکام از دلایل شرعی به دست می‌آید؛ و از تعریف پنجمی عدم تجزیه اجتهاد دانسته می‌شود؛ در حالی که با واقعیت‌های عینی جامعه اسلامی تطابق ندارد.

هرچند در جواب اعتراض اول می‌توان گفت: که هدف از علم مفهوم عامی است که شامل علم و ظن هر دو می‌شود. و در پاسخ به اعتراض دوم نیز باید گفت: که غرض از ظن در تعریف اجتهاد، ظن مطلق است که شامل علم نیز می‌شود و از قرینه اعتبار شرعی، ظن غیر معتبر را خارج می‌نمائیم.

با توجه به تعریفات یاد شده و صرف نظر از انتقادات وارده بر آنها تعریف ذیل را انتخاب و مزایای آنرا مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و یافته‌های ارزنده را تذکر می‌دهم:

اجتهاد در اصطلاح: عبارت از به‌کارگیری آخرین حد توان در شناخت و استنباط احکام فرعی عملی از دلایل شرعی است به گونه‌ای که مجتهد در طلب بیش از آن در وجود خود احساس عجز کند.

مزایای تعریف:

از تعریف فوق نکات ذیل به دست می‌آید:

۱- مجتهد باید منتهای سعی و کوشش خود را بکار گیرد به نحوی احساس نماید که افزون بر آن قاصر و ناتوان است.  
۲- سعی و تلاش باید از طرف مجتهد جامع‌الشرایط صورت گیرد؛ بنابراین تلاش و کوشش غیر مجتهد، قابل اعتبار شرعی نیست.

۳- تلاش و کوشش مجتهد باید به منظور آگاهی به احکام شرعی فرعی عملی باشد، نه موارد دیگری از قبیل احکام لغوی، عقلی و یا حسی و غیره.

۴- شناخت و آگاهی مجتهد به احکام شرعی باید از طریق استنباط باشد یعنی از راه نظر و جستجو در ادله شرعی؛ بنابراین اگر مجتهد احکام مسائل را از حفظ، یا از طریق فتاوا و یا کتب علمی بدست آورده باشد هیچ یکی از این‌ها مشمول اجتهاد اصطلاحی نخواهد بود.

علاوه بر مفاد متذکره از تعریف لغوی و اصطلاحی اجتهاد غرض تفاوت‌های تشریح و اجتهاد بر نکات ارزنده نایل می‌شویم که ذیلاً می‌نگارم:

(۱)- خداوند حکیم یگانه حاکم، مشروع و ایجاد کننده احکام است، مجتهد و الامقام تنها احکام مسائل مستحدثه و رویدادهای جدید را کشف و استنباط می‌نماید.

(۲) - اطاعت و فرمانبرداری از الله (جل جلاله) در همه امور لذاته واجب است؛ چون وی متبوع است، اما پیروی از مجتهد، قاضی، مفتی، امام و پیشواً بالتبع است؛ زیرا ایشان تابع الله منان بوده، کاشف و بیان کننده احکام الهی اند.

(۳) - تنها پیامبران الهی (علیهم السلام) و به ویژه سیدنا محمد (صلی الله علیه وسلم) و شریعت پروردگار عالم معصوم است، اجتهاد مجتهدین از خطاء و اشتباه محفوظ نمی باشد.

(۴) - شارع حکیم از عمل کرد خویش مورد بازجوئی کسی قرار نمی گیرد، اما مجتهد بزرگوار مورد سوال و بازپرس قرار می گیرد.

(۵) - الله ذوالجلال حق تبدیل و نسخ را دارد، اما مجتهد مسلمان صلاحیت و توان نسخ، تبدیل، تغییر و تعطیل احکام الهی را ندارد؛ چون طاعت و عبادت و اظهار بندگی به درگاه ذات اقدس متعال شرط پیروزی و کامیابی او محسوب می گردد؛ زیرا تابع همیشه از متبوع پیروی و اطاعت می نماید.

ارکان اجتهاد:

نظر به تعریف اصطلاحی اجتهاد دارای چهار رکن اساسی است: نفس اجتهاد، مجتهد، مجتهدفیه و ادله شرعی. (توانا ۶: ص ۱۲۱)

- ۱- نفس اجتهاد: بذل جهد و استفراغ وسع جهت رسیدن به حکم قضیه جدید.
- ۲- مجتهد: با توجه به تعریف اجتهاد، می توان مقصود از مجتهد را هم دریافت؛ چون مجتهد اسم فاعل، مشتق از اجتهاد شده است و در لغت به معنی کسی که نهایت توان خود را در انجام فعلی، به خرج دهد؛ و در اصطلاح اصولی ها مجتهد شخصی است که ملکه اجتهاد، یعنی قدرت و توانایی استنباط احکام شرعی فرعی عملی از ادله تفصیلی آن ها در او موجود شود.
- ۳- مجتهد فیه: مسئله، قضیه و رویداد جدیدی در مورد حکم شرعی عملی آن دلیل قطعی نباشد و مجتهد در سدد استنباط حکم آن است.
- ۴- دلایل شرعی.

دلایل شرعی دو قسم اند: دلایل اتفافی و دلایل اختلافی.

- (۱) - دلایل اتفافی به نزد جمهور: قرآن کریم، سنت، اجماع و قیاس می باشد.
  - (۲) - دلایل اختلافی به نزد جمهور: قول صحابی، عرف، سد ذرایع، مصالح مرسله، استحسان، شرع من قبلنا، استصحاب، استقراء. ادله شرعی به دلایل نقلی و عقلی نیز تقسیم می شوند.
  - الف - دلایل نقلی: کتاب، سنت، اجماع، عرف، شرع من قبلنا (شراعی پیشینیان) و قول صحابی.
  - ب - دلایل عقلی: قیاس، مصالحه مرسله، استحسان، سد ذرایع و استصحاب. (زحلی ۷: ج ۱ ص ۴۱۸).
- تبصره:

مسئله و قضیه تازه، رویداد و یا حادثه‌ی جدید، واقع می شود و مقتضی حکم شرعی است، مجتهد والامقام به اساس دلایل شرعی با بذل جهد و بکار اندازی نهایت توان و قدرت و تحمل مشقت با در نظر داشت اهداف و مقاصد شریعت اسلامی و مراعات مصلحت و زدودن ضرر احتمالی، حکم شرعی را استنباط نموده مشکل مردم و ملت مسلمان را از این ناحیه مرفوع می سازد.

بناً وجود حادثه برای مجتهد غرض استنباط حکم مسئله از ادله شرعی، اجزائی اند که اجتهاد را تشکیل می دهند و در نهایت دستیابی مجتهد به حکم قضیه که عمل و نتیجه کار و زحمت او است به مجتهدفیه تعبیر گردیده است و این امور چهارگانه ارکان اجتهاد اند.

در عصر حاضر چه نیازی برای اجتهاد است؟

قبل از پاسخ به سوال سخنان ارزشمندان برخی از دانشمندان اصولی معاصر را نقل می نمایم تا مقدمه‌ای جواب عنوانمان گردد.

۱- اجتهاد حیات تشریح اسلامی است تا زمانی که فقه و اجتهاد پویا و متحرک نباشد، شریعت زنده و پایدار نخواهد ماند؛ زیرا از مقتضیات رشد و تکامل حیات شریعت و ضرورت انتشار آن در جهان، اعتقاد جازم به وجود بالفعل اجتهاد است، به ویژه در عصر

ما که عصر علم و سرعت در پیشرفت تکنولوژی است، مسائل و حوادث زیادی در باب معاملات و قضایای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی مطرح است که جز در پناه اجتهاد و شورای مجتهدین متخصص، چاره‌ای برای پاسخ به آن نیست. و اجتهاد است که شریعت را همساز و قابل اجرا در هر زمان و مکان قرار می‌دهد. (بیگ ۴: ص ۱۷۵).

۲- تن دادن به ضعف و سستی در مسائل اجتهادی و خود را راضی نمودن به آنچه در متون کتب گذشتگان است و در نتیجه عقب ماندن از کاروان تمدن و تکامل علم و اجتناب در توسعه مبادی فقه و اجتهاد از جمله مسائلی است که مورد پسند و رضای خداوند و رسول گرامیش خواهد بود؟.

اجتهاد در این عصر از هر حیث لازم بلکه ضروری است و هیچ مشکلی در بر ندارد به شرطی که آن اوهام و خیالات پوچی که به روان ما نفوذ کرده، آن زنگار و ابر تیره‌ای که بر خورشید عقل و قلب ما سایه افکننده بزداپییم؛ و آن ظن فاسد و گمان بدی که به علمای معاصر تلقین شده مبنی بر این‌که امروزه اجتهاد محال است و ما هیچ‌گاه نمی‌توانیم پا جای پای گذشتگان بگذاریم را از خود دور سازیم، زیرا چنین اندیشه‌ای هیچ‌گونه مبنای شرعی ندارد.

آیا امروز پس از کشف فضا و اختراع اتم و کامپیوتر و غیره باز می‌توان گفت که عقل و اندیشه بشر، در باب استنباط مسدود است؟ (قرضاوی ۱۰: صص ۹۶-۹۸).

ضرورت اجتهاد در عصر حاضر:

زمانی درباره اجتهاد معاصر بحث می‌کنیم. اولین پرسشی که فرا روی ما قرار می‌گیرد این است که آیا در حقیقت ما به این نوع اجتهاد نیاز داریم و یا خیر؟ در زمان کنونی و عصر فعلی برای اجتهاد چه ضرورت است؟

بعضی از پژوهشگران علوم اسلامی که میراث گرانبهای گذشتگان به گونه‌های افراطی آنان را شگفت‌زده کرده و نیز اعتماد و اطمینان خارج از اندازه نسبت به فقهای گذشته دارند، می‌گویند: ما به اجتهادی جدید نیاز نداریم، و به هیچ مسئله برخورد نمی‌کنیم مگر اینکه نمونه‌ای آنرا در گفتار دانشمندان پیشین میابیم؛ زیرا فقهای پیشین ما، هم برای حوادث واقعی عصر خود و هم به صورت فرضی برای قضایا و حوادثی که در آینده رخ می‌دهد اقدام به اجتهاد نموده‌اند، و ما اکنون پس از آن علمای نابغه و طراز اول، نیازی به تأسیس و تجدید دوباره اجتهاد نداریم، مثل معروف است که می‌گویند «وکل صید فی الجوف الفراء» هر شکاری در کمین است.

برای ما راه. چاره دیگری نیست جز اینکه باید به کتاب‌های آنان مراجعه نمائیم، تاگمشده خود را در آنها بیابیم و از طریق نص عبارت آنان و یا از طریق قیاس و یا تخریج از بیانات آنان به جواب مسایل و مشکلات خود نایل آئیم.

اگر امروزه ما به‌وسیله تحقیقات و بررسی‌های متعدد در پرتوی مذاهب و مشرب‌ها و سلیقه‌های متنوع، اجتهادات واقعی و فرض گذشتگان را مورد بررسی و نقد قرار دهیم هیچ‌گاه موجب کاهش ارزش میراث فرهنگی گذشتگان و عظمت فقهای ما نخواهد شد.

در حقیقت باید بگوییم: ادعای اینکه پاسخ هر پرسش جدیدی هر حادثه نوین در کتب گذشتگان یافت می‌شود، جز مبالغه در ادعا و تجاهل به واقعیت امر نمی‌تواند باشد؛ زیرا هر عصر و زمانه، مشکلات و واقعات و نیازمندی‌های مخصوصی به خود دارد.

کره زمین در گردش است، افلاک حرکت می‌کند، جهان به سیر خود ادامه می‌دهد و عقربه‌های ساعت متوقف نمی‌گردند. لذا با این چرخش‌های مستمر و حرکت‌های دائمی و سیر سریع جهان، شب‌ها و روزها، حوادث و واقعات جدید می‌زایند که نه فقط گذشتگان از آن آگاه نبودند، بلکه به فکر و خیال آنان هم خطور نکرده است. و اگر حوادث و رویدادهای این جهان را به آنان متذکر می‌شد، آنها را جزو محالات به شمار می‌آوردند! پس چگونه باید تصور کنیم که حکم چنین مسایل و وقایع جدید، در کلام آنان ملحوظ است!.

در حالیکه نسبت به لحظه‌های از زمان آینده خود، آگاه و مطلع نبوده‌اند. بر علاوه بعضی وقایع و امور قدیم دستخوش تغییر حالات شده‌اند که به سبب تغییر طبیعت، حجم و تأثیر آن، حکم وقایع هم دستخوش تغییر میشوند و حوادث جدید هیچ

گونه مناسب و سازش با حکم فتوی که گذشته گان درباره آن نموده اند، نخواهند داشت و این امر باعث شده که آنان برحسب تغییرزمان، مکان، عرف و عادات و حالات، اقرار به تغییر فتوی نمایند، و این موضوع در بسیاری از کتب مذاهب متبوع به چشم می‌خورد. بنابراین! مادامی که وقایع زندگی در تغییر و تحول، و حالات جامعه در حالت دگرگونی باشد و شریعت اسلام در هر زمان و مکان حاکم، مسلط و صلاحیت پاسخ گوئی به تمام خواسته‌های بشریت را دارا می‌باشد، ضرورت به اجتهاد به‌عنوان یک نیاز دایمی و همیشگی تلقی می‌گردد و مخصوصاً در عصر ما تحولات سرسام آور که به دنبال انقلابهای صنعتی و پیشرفت‌های تکنولوژی و ارتباطات سریع و وسیع که جهان را به یک دهکده کوچک تبدیل کرده بیشتر از هر عصر دیگری نیازمند اجتهاد می‌باشد؛ زیرا قضایا و مسائل بسیاری هر لحظه دچار تغییر و تحول می‌گردند و هر روزی که آفتاب بر امت اسلامی می‌دمد، مجموعه‌ای از مسائل تازه را با خود به همراه می‌آورد که لازم است در پرتو شریعت اسلامی حکم و راه‌حل آن ارائه شود. به‌طور مثال به برخی از مسائل و قضایای عبادی، اقتصادی و طبی اشاره می‌نمایم که غرض دریافت راه‌حل به سعی و تلاش عمیق و بیشتر در حوزه‌ی اجتهاد نیازمندند:

#### ۱- در مسائل عبادی:

حکم نماز و روزه در مناطق قطبی که شش ماه شب و شش ماه روز است و یا در برخی مناطق که شب و روز از حد متعارف خارج گشته چگونه است؟

حکم و نماز و روزه در سفرهای فضایی که تشخیص شب و روز ناممکن است و یا نحوه‌ی استقبال قبله برای ساکنان در کرات دیگر چگونه است؟

آیا دیدن هلال ماه با ابزار جدید امروزی ارزش و اعتبار دارد یا خیر؟ و...

#### ۲- اجتهاد در زمینه اقتصاد و بانک داری:

بدون تردید در عصر حاضر در زمینه اقتصادی و مالی، تشکیلات و سیستمهای جدیدی تبلور می‌کند که در زمانهای گذشته سابقه نداشته است. مانند اجرای عقد از طریق وسایل امروزی مانند تلفن اینترنت و مانند آن‌ها چگونه است؟ شرکت‌های بیمه و انواع مختلف بانکداری با شیوه‌های کاری گوناگون آن‌ها از قبیل: حساب جاری، سپرده‌ها و... چه حکم دارند؟ آیا خرید و فروش اعضای بدن، اجاره‌ی رحم جهت پرورش جنین جایز است یا خیر؟ و...

#### ۳- اجتهاد در مورد طب و طبابت:

بدون شک اکتشافات علمی و اختراعات تکنولوژی سرسام‌آور به‌وسیله فکر و تلاش انسان رویدادها و حوادثی را در زمینه‌ی طب و طبابت تقدیم جامعه‌ی بشری نموده که نسبت به دوران‌های گذشته مستحده و متغیر اند و از فقه اسلامی پاسخ طلبند و از مجتهد معاصر می‌خواهد تا در جهت استخراج حکم مناسب آن‌ها جدوجهد نموده مشکل اجتماع انسانی را رفع سازد. مانند برخی از عیوب موجب فسخ نکاح مانند افضاء، قرن و جذام که در عصر کنونی قابل تداوی و درمان اند در زمان فعلی موجب فسخ نکاح اند یا خیر؟ جدا کردن اعضای حیاتی بدن و پیوند آن به بدن دیگری، استفاده از خون، کالبد شکافی جهت کشف جرم در مرگ‌های مشکوک چه حکم دارد؟ آیا سقط جنین در حالت ثبوت یقینی که بچه ناقص‌الخلقه است در هر شرایطی جایز است یا خیر؟ و... موضوعات ذکر شده و ده‌ها موارد دیگر از جمله حوادث و مسائل مستحده و جدیدی اند که از فقه اسلامی پاسخ می‌طلبند و باید مجتهدان این عصر و زمان در این موارد اجتهاد نمایند و مشکل و معضل مردم خویش را از این ناحیه مرفوع سازند.

**نتیجه‌گیری:**

در واقع با آمدن اسلام و نزول قرآن کریم دین اسلام کامل شد و سلسلهٔ ارسال رسل با فرستاده شدن ناجی عالم بشریت محمد صطفی (صلی الله علیه وسلم) خاتمه یافت و غرض دعوت و ارشاد مردم نیازی به ارسال رسل نیست؛ زیرا مسئولیت دعوت و تبلیغ بدوش امت اسلامی و به‌ویژه وظیفه‌ای علماء و دانشمندان قرار گرفت.

قرآن کریم با احکام و قوانین خود اساس و زیربنای مطالب تشریحی بشری را بنیان‌گذاری کرد، سیرهٔ پاک و سنت مطهر پیامبر (صلی الله علیه وسلم) به‌عنوان مبین و مفسر قرآن در میان ما مسلمانان تابان و درخشنده است.

اسلام یک قانون و برنامهٔ کامل و شامل در همه ابعاد زندگی بشر است، پاسخگوی سوالات مطروحه و جواب ده مسایل مستحده در هر زمان و مکان است، ازینکه نصوص شرعی متناهی و محدود اند، قضایا و رویدادهای روز افزون بشری نامحدود و غیرمتناهی اند، باید قانون دانان و مجتهدان دارای شرایط اجتهادی در هر زمان و مکان مطابق شرایط و ظروف احکام جدید و مورد نیاز جامعهٔ اسلامی را راجع به مسایل و حوادث متجدده با توجه با اصول ثابت شریعت و موافق با روح و قواعد کلی اسلام و با استفاده از دلائل احکام، استنباط و استخراج کنند و در اختیار افراد جامعهٔ اسلامی قرار دهند و به سوالات ملت اسلام پاسخ ارائه نموده مشکلات مردم را حل نمایند.

لذا در هر برهه‌ای از زمان وجود مجتهدان ضروری است و به سبب سهولت‌های علمی و در اختیار قرار گرفتن اسباب و وسائل تحقیق و نزدیکی کشورها و داشتن روابط دوستانه و ایجاد مجموعه‌های علمی و تحقیقی و دارالافتاءها در کشورهای اسلامی و تولد قضایای جدید، نیاز جدی به اجتهاد و استخراج احکام رویدادها و مسائل مستحده به‌صورت شورائی و گروهی و تا حد امکان اتفاقی و اجماعی است.

**پیشنهادهای:**

۱- با توجه به گستره شدن ابواب فقهی و عدم امکان احاطه‌ی یک مجتهد به همه مسائل از یک‌سو و دشواری شناخت موضوعات که نیازمند تخصص و آگاهی در همه ابواب فقه اسلامی است، ضرورت به آرای جمعی بیش از گذشته احساس می‌شود.

۲- در همه کشورهای اسلامی مجموعه‌های علمی و تحقیقی ایجاد و تقویه شوند و روابط دوستانه میان مجامع علمی و تحقیقی برقرار شود و حداقل در هر ماه شورای علمی و مشورتی خویش را دایر نموده نظریات مختلف تا حد امکان متحد و از صدور فتاوی پراکنده جلوگیری شود.

۳- حکومت‌های کشورهای اسلامی و نهادهای خیریه زمینه فعالیت‌های اجتهادی را مساعد سازند؛ تا متخصصین مسلمان و مجتهدین امت اسلامی دسترسی کامل به منابع و کتابخانه‌ها پیدا کرده با دانشمندان و فقهای دیگر نظریات جدید خویش را شریک نموده توافق ملی انجام شده از اختلاف جلوگیری به عمل آید.

**منابع:**

- ۱- ابن قدامه أبو محمد، موفق الدین عبدالله بن أحمد بن محمد. (۲۰۰۲م). روضة الناظر وجنة المناظر فی أصول الفقه علی مذهب الإمام أحمد بن حنبل. ج ۲ مؤسسه الریتان للطباعة والنشر والتوزیع. ص ۳۳۴.
- ۲- ابن الهمام الحنفی، کمال الدین الإسکندری. (ب ت). التحریر. ج ۴. ترکیه: بولاق. ص ۱۷۹.
- ۳- امیر بادشاه محمد امین بن محمود البخاری. (۱۹۸۳ م). تیسیر التحریر، ج ۴. بیروت: دار الکتب العلمیه. ص ۱۷۹.
- ۴- بیگ، شیخ خضری. (ب ت). اصول فقه. بیروت: دار احیاء التراث العربی. ص ۱۷۵.
- ۵- تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر. (ب ت). التلویح علی التوضیح. ج ۲ کراچی: قدیمی کتب خانه. ص ۲۴۵.
- ۶- توانا، سید محمد موسی، (۱۳۵۰ هـ ش). الاجتهاد. قاهره: دارالکتب الحدیثه. ص ۱۲۱.



- ۷- زحیلی، وهبه. (ب ت) اصول الفقه الاسلامی. ج ۱. پاکستان: رشیدیہ. ص ۴۱۸.
- ۸- شیرازی أبو اسحاق، إبراهيم بن علی بن یوسف. (۲۰۰۳ م). اللمع فی أصول الفقه. دار الکتب العلمیة. ص ۱۲۹.
- ۹- غزالی، ابو حامد محمد بن محمد. (۱۹۹۷ م). المستصفی من علم الاصول. ج ۲. بیروت: الرساله.
- ۱۰- قرضاوی، یوسف. (۱۳۸۸ هـ ش). اجتهاد در شریعت اسلام. مترجم: احمد، نعمتی. تهران: احسان. صص ۹۶-۹۸.
- ۱۱- معلوف لويس. (۱۳۸۵ هـ ش). فرهنگ جامع نوین عربی به فارسی. ج ۱ مترجم: احمد سیاح. تهران: اسلام. ص ۳۰۱.